

## ● آغازین فراز

عصر اطلاعات و ارتباطات که هم اکنون در آن هستیم، عصریست که وصل و فصل، آشکارگری و پنهان کاری، کمیت و کیفیت، انزوا و اجتماع، آزادی و بردگی، خردمندی و نابخردی، وابستگی و رهایی و دهها جفت واژه‌ها و مفاهیم که نماد و نشانه‌ی واقعیت بیرونی و عینی می‌باشند، در کنار هم و باهم پدیدار شده‌اند، طوری که هر یک از شاخصه‌های حیات در این عصر بحساب می‌آیند.

این عصر بسیار پیچیده و پر مسأله است. جابجایی‌های بنیادین در حوزه‌های مختلف پدید آمده است؛ اقتصاد، سیاست، حقوق، بهداشت، خدمات، دین، ارزش‌ها ... هیچ کدام از سرینجه تغییر در امان نبوده و به سرعت در حال دگرگونی می‌باشند. آب‌شخور این همه در یک ظرف تجمع دارند و آن اطلاعات و ارتباطات است که خود فرزند تحول اندیشه و ذهن بشر می‌باشد. هر چند این ذهن چنانکه سازنده این عصر است، ساخته شده آن نیز می‌باشد.

طبعاً در چنین عصری داشتن هدف و نیز شیوه‌های دست‌یازی به آن، با وجود فراهم بودن امکانات تسهیلات و بسترهای فیزیکی سخت دشوار می‌نماید. زیرا در کنار پیامدها و فرآورده‌های سازنده و مثبت فراوان آن، چالش‌های براندازنده‌ای نیز تولید شده است. هر چند میزان و نوع چالش‌ها با توجه به نظام‌های اجتماعی-دینی که تکنولوژی ارتباط جمعی بمثابة یکی از سازه‌های آن ابزار هویت می‌نماید، متفاوت می‌شوند. به همین جهت در این نوشتار سعی بر آن است تا چالش‌های رسانه‌های تصویری چون تلویزیون در نظام دینی به‌ویژه نظام دینی حاکم در ایران، ارزیابی و تحلیل شود.

## ● تلویزیون، چالش‌ها و نظام دینی

تعامل تلویزیون و نظام دینی در جامعه دینی در کنار هزاران دست‌آورد و کارکرد مثبت و سازنده، چالش‌ها و آسیب‌هایی را نیز به همراه دارد. فهم دقیق و روشن این چالش‌ها در گرو مکانیزم تعامل آن دو است، که صورت و سیرت این مکانیزم بر ساخته ماهیت و تلقی‌یی که از نظام دینی و تلویزیون انجام می‌گیرد می‌باشد.

تلویزیون در انگاره‌ای صرفاً هویت‌ابزاری دارد و سازنده و ناسازنده بودن آن برمی‌گردد به نیت و هدف سنجان آن. اگر نیت خیر بود، تلویزیون ابزار مفید و ضروری خواهد بود و می‌باید پاس داشت. و اگر نیت پلید شد، قهراً تلویزیون نیز فسادزا می‌شود که در اینصورت نباید گرامش داشت. و از خانه و جامعه بیرون ریخت. چنانکه طالبان در افغانستان نمودند.

# تلویزیون؛ چالش‌ها و آسیب‌های نظام دینی

سیدحسین مصباح



این فهم از تلویزیون را اگر نادرست ندانیم، قهراً ناتمام و ساده باید تلقی نماییم، زیرا تلویزیون فراتر از حد ابزار قرار گرفته است. چنین نیست که انسان او را بکار گیرد بلکه او متعاقباً انسان را نیز بکار می‌اندازد و هدایتش می‌کند. تلویزیون متنی است که سه متن دیگر؛ نوشتاری، گفتاری و رفتاری در ساز و کار آن دخالت تام دارد. از این رو مفاهیم و معانی گونه‌گون معرفتی اخلاقی، اجتماعی، احساسی و عاطفی ... در ساختار نرم‌افزاری تلویزیون جایگاه کلیدی دارند و او را تبدیل به یک منبع نموده است. و همین ویژگی، تلویزیون را به مثابه‌ای طرف گفتمان انسان مدرن و جدید معرفی می‌نماید. جایی که معانی متنوع و متعددی را برمی‌تابد و با زبان و منطق مختص خویش آن را بیان و ارسال می‌دارد. و در همین مرحله کارکردهای چون تعامل‌گرایی، خردگرایی جمعی و سیال، نقدپذیری، ایضاح و دلیل‌طلبی، قداست‌زدایی و یقین‌سائی، و ... تقویت می‌نماید و به این ترتیب تلویزیون از حالت «منبع» بودن تنها خارج شده و هویت و «روش» خود را آشکار می‌کند و هم «منبع» و هم «روش» است. و دقیقاً همین دو ویژگی آنرا از حد ابزار فراتر برده و برگشت چالش‌ها به او منطقی و طبیعی می‌باشد. چون تلویزیون اگر صرف ابزار بود، عامل مولد چالش‌ها نمی‌توانست شد.

دین تا زمانیکه امر درونی و شخصی پنداشته شود و در ایمان

جابجایی های بنیادین در حوزه های مختلف پدید آمده است: اقتصاد، سیاست، حقوق، بهداشت، خدمات، دین، ارزش ها ... هیچ کدام از سرینجه تغییر در امان نبوده و به سرعت در حال دگرگونی می باشند. آشخور این همه در یک ظرف تجمع دارند و آن اطلاعات و ارتباطات است که خود فرزند تحول اندیشه و ذهن بشر می باشد.



چالش هایی که در این بخش پدیدار می شوند، پیامد قهری وجود تلویزیون در یک کشور نمی باشد و گرنه ممکن بود که برخی از چالشها در یک کشور یا نروید و یا مهار بشود. ولیکن چنان پیامدهایی، نتایج طبیعی و ضروری وجود تلویزیون در سرتاسر دنیا است. به عبارت دیگر برآیند چند شبکه ای می باشد.

چالش های عام و تئوریک که برآیند تعامل تلویزیون و نظام دینی می باشند، بدین قرارند:

#### ۱- قدس زدایی:

در نظام دینی پاره ای مفاهیم و امور مقدس اند؛ مثل خدا، پیامبر، قرآن، ائمه دین، مسجد، کعبه و حتی بعضی از شخصیت های مذهبی. منشأ تقدس اینها سرچشمه در حقیقت الهی دارد که موارد یاد شده یا خود آن حقیقت اند چون «خدا» و یا تجلی آن حقیقت می باشند. نظیر: قرآن، کعبه، پیامبر ... از این رو هر گونه نفوذ و ورودی که چنین ویژگی را از آنها بستاند و یا تضعیف نماید، ممنوع و مذموم است زیرا واقعیت های نامبرده در انگاره ای دینی خالص، پاک و کامل می باشند. ناپاکی، ناخالصی و نقصی که توجیه کننده و زمینه ساز دخالت و دستکاری در آنها باشد، در حریم اینگونه واقعیات نامحرم اند و چون اغیار برون افکنی می شوند. به هیچ کس و یا چیزی اجازه داده نمی شود تا اینها را به موازات مصالح و منافع خودشان بکار گیرند.

تلویزیون در ساختار رسانه ای فعلی دنیا کمتر حریمی را احترام می گذارد. حجاب، خلوص، پاکی و کمال را از چهره آنها برمی گیرد. تلویزیون این عمل را عمدتاً به دو طریق انجام می دهد:

۱- تلویزیون با تقویت خرد جمعی پلورالیسم ذهنی را بوجود می آورد. و در چنین ساختار ذهنی فرد و جامعه، کمال تمامیت کالای پس گرانیها و نایابی است. این پیامد را در عبارت زیر می توان یافت:

«اما با انقلاب اطلاعات می بینیم رسانه هایی پا به عرصه وجود می گذارند که ماهیت تخصصی و غیرتوده ای دارند. بدین سان مفهوم تنوع بخشی و انبوه زدایی در حقیقت به مفهوم تحول ذهن انسان به سمت تخصصی شدن یا به عبارتی



برهنه از معرفت و مکتبیت تجسد یابد، چالش پذیری و چالش زدایی آن در دنیای نوین ناچیز و کم رنگ است.

در مقابل هر گاه دین یک روش یکسویه و سیستم فکری و عملی بسته با گزاره های اعتقادی - اجتماعی مقدس، تک معنایی دانسته شود و با همین هویت مبنای یک نظام سیاسی - اجتماعی قرار گیرد، میزان و حجم چالش آن در دنیای معاصر بسیار بالا خواهد بود و در ضمن توانمندی آن در هضم و حذف و تبدیل چالش ها به پالش ها، کاوش ها و سازش ها بسیار پایین می باشد.

و اما هر گاه دین تعالی یابی انسان (فردی - اجتماعی) در یک روش و سیستم باز فکری و رفتاری بوده باشد (که حقیقت اسلام چنین است) که در قالب گزاره های شناختاری و دستوری در میدان های متنوع زیستی، با ظرفیت چندمعنایی و کاربردی بیان شده است. و با همین ویژگی و قابلیت مبنای تعامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی ... قرار گیرد و به ساماندهی حیات انسانی بپردازد. در این انگاره و حالت هر چند چالش های فراوانی فراروی آن سبز خواهد شد ولیکن در پاسخ گویی، حل و گذر کردن از آن ها در دنیای معاصر موفق خواهد بود.

جامعه امروزی ایران جامعه ایست که رسانه های جمعی و در میان آنها تلویزیون از بعد «منبعی» و «روشی» در حال توسعه است که خود پیامد توسعه جهانی و بین المللی تلویزیون از حیث سخت افزاری و نرم افزاری می باشد.

از سوی دیگر مبنای عمل و تعامل اجتماعی - سیاسی در جامعه ایران «دین» می باشد. آن هم در سر آغاز تجربه نظام دینی که بر پایه تصویر و تلقی پسین (سومین) شکل گرفته است. طبعاً هر دو وضعیت نامبرده چالش هایی را نیز به همراه دارد و یا در آینده خواهد داشت که توجه به آن ضروری می نمایاند.

چالش های رسانه ای تصویری (T.V) در نظام دینی را بطور اساسی در دو طبقه و گروه می توان قرار داد.

۱ - چالش های تئوریک، که شامل نظام های دینی و غیردینی هر دو می شود. و نیز احتمال پیدایش و رویش آنها در هر نظام دینی که در هر منطقه و نقطه ای پای بگیرد، بطور یکسان می باشد. بدین معنا که هر گاه نظام دینی مبتنی بر تلقی پسین از دین در هر کجای عالم؛ ایران، افغانستان، آمریکا ... شکل بگیرد و با این رسانه ای تصویری تعامل داشته باشد، احتمال تولد چالش هایی نظیر قدس زدایی، ورود به حریم خصوصی ... یکسان است.

۲ - چالش های خاص و موردی، منظور چالش هایی است که در اثر تعامل تلویزیون و نظام دینی در مناطق و فرهنگ های مختلف ممکن است بوجود بیاید. و هر کشوری چالش های خاص خودش را تجربه می نماید.

#### چالش های عام و تئوریک:

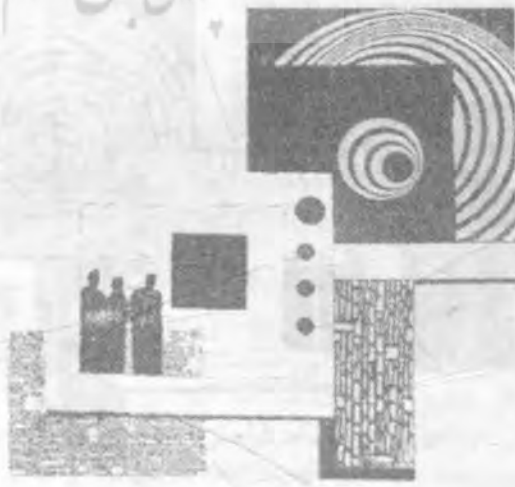
پیش از آنکه این مبحث را بشکافیم، می باید این نکته را بمثابة یک آکشیوم و اصل موضوعی پذیرفت که ما در دنیای تک شبکه ای در حوزه های مختلف و انواع رسانه ها بسر نمی بریم. بلکه در فضایی که هزاران شبکه در عرصه های متنوع رسانه ها فعال اند، زیست می کنیم. از این رو پاره ای از امور و احیاناً

تعمیل تلویزیون و نظام دینی در جامعه دینی در کنار هزاران دستاورد و کارکرد مثبت و سازنده، چاشنی‌ها و آسیب‌هایی را نیز به همراه دارد. فهم دقیق و روشنی این چالش‌ها در گرو مکانیزم تعامل آن دو است، که صورت و سیرت این مکانیزم بر سازه‌ها و ماهیت تلقی می‌کند از نظام دینی و تلویزیون انجام می‌گیرد می‌باشد.



حزبی شدن در آگاهیها، اطلاعات و دانشهاست. این تحول در حقیقت به مفهوم تمرکزگرایی و گسترش پلورالیسم ذهنی است. و مساوی است با گسترش نسبی‌گرایی... (۱)

دقیقاً همین کارکرد تلویزیون فرایند یقین‌زدایی را تقویت نموده و فضای تشکیک و تردید را وسعت می‌بخشد. چون تلویزیون از یک سوی فرهنگ‌ها، آداب، نمادها و نشانه‌های بسیار متنوع را که پاره‌ی از آنها واقعیات‌های مشترک را با زبان‌های مختلف و گاه متعارض بیان می‌نمایند، در یک بازار وسیع بین‌المللی تصویری ارائه می‌کند. و از سوی دیگر رابطه‌ی تصویر با هویت اصیل آنچه تصویر شده (پدیدارهای طبیعی - فیزیکی، رویدادهای انسانی، حوادث سیاسی - اقتصادی، تحولات نظامی...) در اثر دخالت عوامل اختیاری و غیراختیاری، انسانی و غیرانسانی... هر روز پیچیده، طولانی و مبهم می‌شود. شاهد زنده و عینی این وضعیت تصاویری است که در کشورهای اروپایی و به‌ویژه آمریکا روی صفحات تصویری از حملات نظامی آمریکا به افغانستان پخش می‌شد. این تصاویر چنانکه کارشناسان امور نیز بیان داشته‌اند، بزرگنمایی کمی و کیفی کمک‌های انسان‌دوستانه آمریکا در جریان جنگ در لباس پرتاب مواد غذایی به مردم مظلوم و محروم این دیار است. و نیز نمایش دقت هدف‌گیری جنگنده‌ها و وسایل و تکنولوژی نظامی آمریکا نسبت به اهداف نظامی و تروریستی است. در حالیکه از تخریب بی‌رویه مناطق غیرنظامی مثل منازل مسکونی، مدارس، بیمارستانها، نیروگاه برق، سرمایه‌های ملی و نیز زخمی، مجروح، معلول و کشته‌شدن اطفال، زنان، پیرمردان و جوانان بی‌دفاع و نیز از آواره‌شدن میلیونها نفر، گرسنگی و نابودی زیرساخت و روساخت زیستی بیش از ۲۰ میلیون نفر نفوس، کمتر تصویری واقعگرایانه ارائه می‌گردد. به این ترتیب میان تصویر و تصویر شده فاصله و ابهام، تردید و تکذیب ایجاد می‌شود. طبعاً پیامد ابهام، تردید و فاصله در لایه ذهنی و عینی جامعه زدایش یقین و زایش بی‌یقینی بیش نیست. این حالت در سطح معرفت‌شناختی نیز پدیدار می‌گردد. زیرا واقعیات در میان تصاویر که تنها پنهان شده بلکه تصاویر واقعیات‌سازی می‌نمایند. و فراتر از این تصاویر عین واقعیات



پنداشته می‌شوند. به این ترتیب یقین و قطعیت به سادگی عقب‌نشینی خواهند کرد.

۲ - تلویزیون ممکن است - چنانکه واقع نیز شده است - بسیاری از مقوله‌ها از جمله اشیا و مفاهیمی را که مقدس‌اند به بازی بگیرد و بمثابة برنامه‌های سرگرم کننده ارائه نماید. این عمل برای نظام دینی و باورمندان به آنها سخت دشوار و تحمل‌ناپذیر می‌نماید. به‌ویژه دینی که با هرگونه لعب و لهو (۲) و تانیز در القاب (۳) و سب (۴) باورها حتی نسبت به کافران مخالف است. و این اتجاه و گرایش را محور ممنوعیت پاره‌ای امور و یا توسعه روابط انسانی و بین‌المللی و تحکیم دینداری قرار می‌دهد. این کارکرد تلویزیون، سبب شده است که برخی از اندیشوران نگاه بدبینانه نسبت به این رسانه ارائه نمایند. مانند نیل پستمن که می‌گوید:

«در تلویزیون حتی مذهب بدون هرگونه محدودیتی و بدون هرگونه مصلحت‌اندیشی و رعایت حالی و به دور از هرگونه اعتنایی به عنوان سرگرمی عرضه می‌شود. ... برای اغلب آمریکائیان و حتی روحانیون مذهبی آنها به سختی قابل درک است ... که از هر ابزار و وسیله ارتباطی با شعاع و حوزه تأثیر خاص آن نمی‌توان ارتباط و تبادل هر موضوع و هر محتوایی را داشت» (۵)

۳ - از دغدغه‌های نظام دینی به‌ویژه اسلام این است که از بت‌شدن اشخاص اندیشه‌ها و روش‌ها و نیز از تکاذب بصورت بزرگنمایی و کوچک سازی ایده‌آلی و آرمانی جلوگیری بعمل آورد. نباید هیچ فرد (پیامبر، امام، رهبر، رئیس‌جمهور، دانشمند...) و هیچ اندیشه و عملی بیش از آنچه هست و یا می‌تواند باشد بزرگ بشود و یا کوچک گردد. همانطوری که علی (ع) فرموده است:

«لا یدْعونک سرف امرء الی ان تُنظَمَ مِن بلائه ما کان صغیراً و لا ضعة امرء الی ان تُصَغِرَ مِن بلائه ما کان عظیماً» (۶)

زیرا نباید طبیعی آن، حفا به حقوق و دستاورد دیگران، کندشدن آهنگ توسعه و رشد، تمامیت‌طلبی، وارونگی، پیدایش شخصیت کاذب... می‌باشد.

در وضعیت کنونی دنیا چنین وظیفه‌ی را تلویزیون بعهده گرفته است، به‌ویژه با روش‌ها و مفاهیم جدید که در ظاهر مخالف بت‌شدگی و تمامیت‌طلبی می‌نماید ولیکن در مقام عمل و عینیت بیرونی جامعه موید و محقق آنها می‌باشد. در زمان جنگ سرد رسانه‌های آمریکا به‌ویژه تلویزیون در ارائه تصویر خشن، خشک و واگرایی مارکسیسم - کمونیسم در میان ملتشان فوق‌العاده موفق عمل نمودند. تا جایکه وحشت ذهنی نسبت به آن در جامعه آیدمی شده بود و بسیج افکار عمومی را علیه آن سازمان‌دهی می‌نمود. در شرایط کنونی نیز رسانه‌های تصویری سلطه‌گر از طریق کالاهای اقتصادی، خدمات، صنعت، تکنولوژی... دقیقاً در راستای تقویت تمامیت و یگانگی الگو بودن تمدن غربی برای دیگر جهانیان فعال می‌باشند. به طوریکه تصویر آن از واقعیت بیرونی آن زیبا و کارآمدتر است.

۳ - آزادی

آزادی از مواهب و عطایای فرایند آفرینش انسان است و او را

از دیگر جانداران متمایز می‌سازد.

تلویزیون بدون تردید با تولید و تقویت خرد جمعی، کاستن از تخیل، تبدیل ذهنیت به عینیت، ایجاد مشارکت، ترکیب متن‌های سه‌گانه از زیرساخت‌های آزادی می‌تواند باشد.

اما یافت و کارکرد اینگونه رسانه در دنیای معاصر متناقض است و همین تناقض نمایی چالش‌های را در درون یک نظام دینی تولید می‌کند.

تلویزیون از یک سوی، هیچ حد و مرزی نمی‌بیند. پیام‌ها به طور آزاد در حال گردش و نفوذ می‌باشند. هیچ مانع فیزیکی و ساختاری قادر به جلوگیری نیست؛ قانون، امنیت ملی، عفت عمومی، مصالح جامعه... نمی‌توانند حدی برای آزادی بشوند. به عبارت دیگر آزادی منقی در ابعاد ریز و جزئی جامعه که همان نبود مانع فراروی آنچه فرد می‌خواهد و می‌تواند می‌باشد، بیشتر فراهم شده است.

نظامی دینی که مبنای تعامل اجتماعی قرار می‌گیرد در چارچوب قانون، باورها و ارزش‌ها، منافع و مصالح ملی - دینی به نهادسازی و سامان‌دهی تعامل نامبرده می‌پردازد. و در این راستا می‌باید بر رفتار، دیدار و نوشتار نه اندیشیدن، بر پایه مفاهیم یاد شده حد و مرزی را تعیین و ترسیم نماید. تلویزیون چنانکه گفته شد، در انتقال پیام حدگذار نام آورده را از ناحیه عوامل یاد شده بر نمی‌تابد. طبعاً اینگونه وضعیت چالش‌زا و تعارض خیز خواهد بود.

اینگونه چالش‌ها نیل پستمن را بر آن داشت تا بگوید:

«هیچ یک از بنیان‌گذاران مذهبی نه بودا و نه موسی، نه عیسی، نه محمد(ص) و نه حتی لوتر هیچ کدام هر چه را مردم می‌خواستند به آنها هدیه نمی‌کردند، بلکه چیزی را به آنان عرضه می‌داشتند که برای آنها ضروری و مفید بود. اما تلویزیون این وظیفه و مسئولیت را ندارد که آنچه را که مردم بدان نیازمند هستند و بر آنها ضروری و مفید است بدانها عرضه کند. زیرا تلویزیون دوستدار مصرف‌کننده است...» (۷)

از سوی دیگر آزادی مطلوب که دین نیز آن را می‌طلبد آن است که شخصیت انسانی بر پایه‌ی ارزش رشد و تکامل بوسد که با اختیار و آگاهی دست به گزینش در میدان‌های متنوع بزند. رسیدن شخصیت به این مقام در دنیای معاصر در گرو توزیع فراگیر دانایی و دستیابی برابر همگانی به آن و نیز تبدیل آن به منابع موقی اطلاعاتی و توسعه ارتباطات می‌باشد. اما با تأسف باید این پدیده تلخ را باز نمود که واقعیت دنیای اطلاعات نوین با عدالت اطلاعاتی و دموکراسی فاصله‌های زیادی دارد. چون عملاً مراکز محدودی بمثابة منابع موقی درآمده‌اند. و به گفته نوام چامسکی: «اعتقاد و وابستگی وسایل ارتباط جمعی به اخبار و اطلاعات که سازمان‌های مهم خبری و متخصصین صاحب‌نام به عنوان منابع اصلی ارتباطی و خبری در اختیارشان می‌گذارد... دامنه اخبار را بسیار محدود کرده و آنچه که به خبرهای بزرگ روز تبدیل می‌شوند، نتیجه فعالیت‌های سازمان یافته‌ای است که از سوی دولت‌ها و سازمان‌های پر قدرت خصوصی انجام می‌گیرد. بدین ترتیب این دولت‌ها و سازمان‌های پر قدرت خصوصی جزو منابع «موقی» محسوب می‌شوند...» (۸)



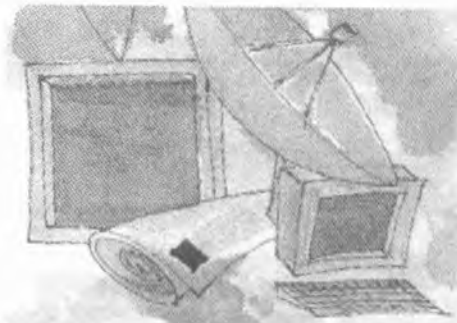
یکی دیگر از محورهای که برای آزادی آسیب‌ساز برای دین چالش‌زا شده است، تجاری و سیاسی شدن رسانه‌ها به ویژه تلویزیون می‌باشد، مکانیزم چالش‌ی‌دین شرح انجام می‌یابد:

۱- بر تصویر، منطق ارزش افزوده و درآمد حاکم می‌گردد. لازمه قهری چنین سطره‌ای این است که هیچ چیز جزء اقتصاد ارزش و هویت مستقل و اصلی پیدا نکند. تصویر واقعیت‌های بنیادین چون: دین، هنر، ارزش، اخلاق، علم نه تنها از مرجعشان فاصله می‌گیرد، بلکه چهره‌های دروغین و مصنوعی نیز بر آنها تحمیل می‌گردد، و این نخستین اقدامی است در جهت سلب آزادی از سازه‌های اصل حیات بشری. زیرا مقوله‌های نامبرده که از عناصر بنیادین حیات انسانی می‌باشند، مبدأ و کارکردهای متنوع و مستقلی دارند. هر چند بریده از اقتصاد و بیگانه از درآمد نمی‌باشند ولیکن رابطه تابعیت با آن ندارند. چنین نیست که سر نوشت و هویت آنها از ناحیه اقتصاد تعیین بشود و بدون ارزش افزوده زیانی نداشته باشند.

با چنین تصویری که تلویزیون از عناصر مذکور ترسیم می‌نماید، دین نمی‌تواند با آن همسو و همساز شود. قهرآ بر روی افکنی هر دو (نظام دینی - تلویزیون) نه تنها در قالب چالش‌های ایدئولوژیکی و اخلاقی نمایان می‌شوند، بلکه فراتر از آن در عرصه هستی‌شناسانه نیز سرایت می‌کند.

۲- طبعاً تسلط منطق نامبرده مساوی با تسلط نهادها و سازمان‌هایی چون شرکت‌های چند ملیتی سرمایه داران کلان و حتی دولت‌ها می‌باشد. اینگونه تسلط، مستلزم حبس اطلاعات و پیام که مبنای عمل و تعامل در دنیای معاصر است می‌باشد. امروزه هر چند بسیاری از دولت‌ها و ملت‌ها خویش را آزاد و حاکم بر رفتار خویش می‌دانند. ولی در مقام عمل درمی‌یابیم که چنین نیست. رفتار و تعامل جوامع در مقیاس زیرین و زبرین (ملی - بین‌المللی) از ناحیه تصویر که عملاً چند شرکت و یا دولت بدست دارند شکل و صورت می‌گیرد. این تصاویر بطور غیرمترقی رفتار را هدایت می‌نمایند و به همین جهت نیز رویت نمی‌شود؛ چون تصاویر فراتر از فیزیک و جسم جامعه را که ذهن





و اندیشه فرد و جامعه را می‌سازد و از این طریق به لایه‌های مختلف جامعه نفوذ می‌کند. این تصاویر انرژی، انگیزه و فضای عمل و رفتار را در مقیاس جهانی فراهم آورده و می‌آورد. کشورها و ملت‌ها در چنین فضای از پیش آماده‌ای به تعامل می‌پردازند بی آنکه به عامل جهت‌دهنده آن واقف بشوند قدرت تلویزیون «مک‌لوهان» را بر آن داشت تا بگوید: «تلویزیون قادر است نه تنها در یک کشور بلکه در سراسر یک منطقه و حتی در یک قاره جوی احساس برانگیز پدید آورد» (۹)

دین و به‌ویژه اسلام راستین با هر دو مکانیزم ناسازگار است. چون مخالف اقتصادنگری به عناصری می‌باشد که در نگاه و جهان‌بینی دینی بنیادین و مستقل می‌باشند. هر چند کاربرد نگری نسبت به آنها مورد تأیید است؛ بدین معنا که مقولات نام برده (دین، اخلاق، فرهنگ، ادب، و علم...) می‌باید کاربرد و کارکردی در حیات انسانی داشته باشد.

و این پس متفاوت است با تجاری شدن مقولات یاد شده و یا مرتبط و متعامل بودن اقتصاد، تجارت با عناصر دیگر.

و همچنین دین با تأکید بر تعادل، برابری و عدالت با هر گونه سلطه، انحصار و تابع‌نگری در حوزه انسان‌شناسی در ستیز است. طبعاً تعامل تلویزیون با منطق چیره بر آن در دنیای معاصر با نظام دینی چالش‌آور خواهد بود - البته این بدان معنا نمی‌باشد که نمی‌توان چالش‌ها را کاهش داد.

۳ - اندیشه و باور. دنیا امروز دنیای تصویر است. بین تصویر واقعیت و حقیقت گره بازنشده خورده است. این تصویر از یک سوی با ذهن مرتبط بوده و از جانب دیگر با حقایق و اعیان بیرونی، پس دو منتهاالیه این تصویر ذهن و عین می‌باشد.

از جانب دیگر گفته شد تلویزیون هم منبع و هم روش است. یعنی هم منابع داده‌ها و ستاده‌های ذهنی را فراهم می‌آورد و هم روشی است برای تولید اذهان. و نیز همانطوریکه اعیان را

منعکس می‌سازد او را هم می‌سازد. به این ترتیب رابطه‌ی ذهن - تصویر و عین رابطه‌ی مولود و مولد است. معنای این سخن این است که تلویزیون نه تنها یک حق و واقعیت را در قالب‌های مختلف تصویر می‌نماید، بلکه حقایق و واقعیات‌های متعدد و متکثر عرضی نه‌طولی را می‌سازد و می‌نماید. و نه تنها یک روش و یا روش‌های گونه‌گون دست‌یابی به سعادت و حقیقت واحد و نهایی را قرار می‌دهد، بلکه روش‌های متعدد و متغییر را جهت اتصال به واقعیات و حقایق متغییر و

متعدد تقویت و تولید می‌کند.

هر چند بر فهرست چالش‌های عام و ایدئولوژیکی و تئوریک بیش از آنچه تاکنون بیان شد می‌توان افزود ولیکن بخاطر دوری از اطناب و ملالت و نیز تبیین و گزینش محورهای اساسی از بیان عناصر و مقوله‌های دیگر این فهرست قلم برمی‌داریم.

#### چالش‌های موردی:

این چالش هر چند می‌توانند عام و تئوریک... باشند ولی به جهت بسترهای زایش دامنه‌ای محدودتر پیدا می‌نمایند. در نظام جمهوری اسلامی ایران در وضعیت فعلی، چالش‌های رسانه‌تصویری زیر وجود دارد:

۱ - سیاست‌گذاری و مدیریت تصویر از بخش‌های چالش‌آور به حساب می‌آید.

مهمترین چالش در این میدان میان مدیریت واقعگرایانه و علمی با مدیریت آرمانی و ایدئولوژیکی رخ نموده است. بدین معنا که جمعی سخت پای می‌فشارند که باید تصویر در جامعه اسلامی ایران آرمانی هدایت و تولید بشود. و عده‌ای علمانیت مدیریت تصویر را می‌طلبند. علت این چالش این است که دو نگرش نامبرده خویش را در دو منتهاالیه مدیریت تصویر قرار داده‌اند و اگر اندکی از کرانه‌ها به محیط برگردند و تألیفی از هر دو بسازند - که لازم نیز هست - چالش یادشده فروکش می‌نماید. در مدیریت علمی دغدغه و سیاست‌گذاری بسوی تطبیق و تناسب تصویر با بیرون و محیط پیرامونی است. اما در مدیریت آرمانی همت آنست که تصویر متناسب درون باشد. طبیعی است که نگرش اول می‌طلبد تا تصویر متنوع، متغییر، روزآمد و کارآمد باشد. محدودیت و انحصار کاهش یابد. دیگران در تولید تصویر مشارکت و نظارت داشته باشند. بازتاب حوادث و رویدادهای سیاسی، نظامی و فرهنگی و نیز باورها ارزش‌ها و اندیشه‌ها انطوریکه هستند نه چنانکه ما می‌خواهیم انجام پذیرد، و به یک تعبیر همانطوریکه تلویزیون رسانه‌ی همگانی است واقعاً همگانی باشد.

اما در مدیریت آرمانی تنوع و تغییر پذیری دشوار می‌نماید و انحصار و محدودیت مطلوب می‌افتد. و دستکاری واقعیت‌ها مجاز شمرده می‌شود. انعطاف‌پذیری فروکش می‌کند. و چون درون بر بیرون تحمیل می‌شود ناچار پاره‌ای از واقعیات‌ها که اینگونه تحمیل‌ها را بر نمی‌تابند، کنار گذاشته می‌شوند. طرح جمع‌آوری آنتن‌های گیرنده تصاویر ماهواره‌ای متناسب و برآمده از همین نگرش است. و قهراً پاسخ مطلوب را نخواهد داد.

۲ - چالش عمدتاً در مراحل و نقطه‌هایی پدیدار می‌شود که اعتدال و تعادل بهم خورده باشد. این از قواعد عامی است که در زمینه‌های گوناگون جریان دارد. در کنش‌های اتمی ذرات سازنده از هسته‌ها و مدارهای پر قدرت به محیط‌های هسته‌ای ضعیف و ساده سرازیر می‌شوند و این فرایند تا زمانی ادامه پیدا خواهد کرد که با تعادل بوجود بیاید و یا هسته‌های ضعیف از حیث ذرات سازنده و بارهای الکتریکی، جذب و هضم طرف مقابل بشود. در حوزه تصویر این قاعده نیز صادق است. میزان تصویری که در ایران تولید می‌شود نه از جهت تنوع و نه از حیث

مقدار قابل مقایسه با تصویر تولید شده از جانب کشورهای صنعتی و تکنیکی نمی‌باشد. طبق آمار گرفته شده روزانه ۹۰۰۰۰ هزار کلمه از آمریکا به آسیا ارسال می‌شود در مقابل تمام کلمات ارسال شده از آسیا به آمریکا به ۱۹۰۰۰ هزار کلمه می‌رسد. کشورهای غربی در حدود ۹۰٪ از کل طیف امواج رادیویی را در سیطره خود دارند. از ۲۸ الی ۳۰ هزار دستگاه فرستنده در دنیا حدود ۲۰۸۵۰ تا ۲۲۰۰۰ هزار دستگاه آن در کشورهای غربی مستقر است. آمریکا به تنها سالیانه بیش از «۳۰۰» هزار ساعت برنامه تلویزیون به کشورهای خارجی به‌ویژه جنوب صادر می‌کند.

بسیاری از این عملکردها در رسانه تصویری ایران اصلاً وجود ندارد تا در مورد ارقامش داوری نمود. طبعاً در چنین محیط و معادله‌ای تصویر از غرب و آمریکا به محیط ایران سرازیر می‌گردد و تعادل را می‌زداید. و از آن‌رو که این تصاویر نخست اذهان جامعه را نشانه می‌گیرند قهراً عدم اعتدال ذهنی بصورت چالش‌های رفتاری در حوزه فرهنگ، اخلاق، دین، مدیریت ... خود را نشان می‌دهد. همین قدرت تصویر است که آمریکا در جریان تجاوز به افغانستان برای ارائه تصویر مثبت و انسان دوستانه از خود در نزد افکار عمومی مسلمین و همسوسازی آنها با خویش، پیشنهاد خرید چند ساعت برنامه پخش تصویر با قیمت بسیار بالا، به شبکه تلویزیونی الجزیره نموده است.

بنابراین بخشی از چالش‌های اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی که در جامعه ایران وجود دارند ناشی و برآمده از تبادل غیرمتعادل تصویر است، که ضعف تولید بیرونی تصویر در ایران عامل اصلی عدم اعتدال یاد شده می‌باشد. و تا زمانیکه اعتدال ایجاد نگردد و تبادل تصاویر (ارزش‌ها، روش‌ها، اندیشه‌ها، آداب، هنجارهای اجتماعی، علم، تکنولوژی، دین و...) مبتنی بر تعادل نباشد، چالش‌های متنوعی وجود خواهد داشت و تعادل تصویری و اعتدال ذهنی و رفتاری زمانی پدید می‌آید که قدرت و ظرفیت تولید فرامرزی تصویر کیفی ایران افزایش یابد. نمونه‌ای از این مورد را می‌توان در ذهنیتی جستجو نمود که کارگردان خدمات صنعتی، تولیدی، بهداشتی، سازندگی علمی و فنی و حتی دینی نظام جمهوری اسلامی ایران را در طول دو دهه ناچیز و متمایل به صفر می‌دانند. بدون تردید بخش عمده‌ی این ذهنیت بر ساخته‌ی تصاویر بیرون‌مرزی است که به ایران گسیل می‌شوند و همچنین ضعف تصویر درونی در ارائه این واقعیات. و این چالش، چالش عمده‌ای است. تا جایی که رهبر هشیار انقلاب اسلامی ایران در سخنرانی مورخ ۸/۸/۸۰ که در کاشان برای جمع انبوهی از مردم آن دیار ایراد نمودند، به صراحت این چالش را بیان کردند.

۳- چالش‌های برآمده از ساختار تلویزیون در محیط درونی ایران.

در این بخش می‌توان به محورهای زیر اشاره نمود:

۱- ۳) عدم توسعه سخت‌افزاری تلویزیون.

در ایران به‌ویژه در چند سال اخیر تلاش فراوان در جهت دستیابی همگان و همه نقاط کشور به گیرنده‌های تصویری و نیز داشتن فرستنده‌های تصویری انجام گرفته است. ولی هنوز

هم‌تا رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله‌های زیادی است.

تعداد شبکه‌های سراسری در سطح کشور به چند شبکه محدود است. غالباً استانها از شبکه‌های مخصوص به خود بی‌بهره‌اند. و تنها چند استان دارای شبکه استانی می‌باشد. و این شبکه‌ها نیز قابل دریافت و یا پخش به مناطق دیگر نمی‌باشد. و به عبارت دیگر شبکه‌های استانی تبدیل به شبکه سراسری از حیث دریافت نگردیده است. این وضعیت سطح مشارکت زبانها، فرهنگها، آداب، سنن، باورها و اندیشه‌ها... تمامی ملت را که از سازه‌های فرهنگ ملی-دینی جامعه ایران [هر جامعه] هستند، در تقویت تولید و پویایی فرهنگ ملی-دینی نایکسان و ناساز می‌نماید. نیازها و خواست‌ها بصورت برابر بازتاب پیدا نمی‌کنند، حفظ فرهنگ بومی و به تعبیری خرده فرهنگها تهدید می‌شود. نتیجه قهری این فرایند بهم خوردن تعادل و اعتدال درونی جامعه است. و چنانکه در گذشته بدان اشارت رفت، با خروج از اعتدال ورود در چالش‌ها سرعت می‌گیرد. و به این ترتیب با تبادل نامتعادل تصویر چالش‌های متنوع در سطح جامعه حجاب از چهره برمی‌گیرند.

۲- ۳) در جامعه امروزی ایران آهنگ عقلانیت، عدالت، توسعه همه‌جانبه، شهرنشینی، احترام و اعتماد به ارزش‌های حقوقی و حقیقی جامعه مدنی-دینی، آزادی، عزت، قدرت و مهمتر از همه مردم‌سالاری دینی بسیار پرطنین و پرتوافکن شده است. این جریان پرشتاب بدون تعبیراتی در زیرساخت‌های جامعه به‌سرمزمل مطلوب واصل نمی‌شود. و فراتر از این، چنین طنینی توأم با تحول زیرساختی جامعه می‌باشد. تمامی مفاهیم نامبرده تنها در قضا و سیستم باز می‌رویند و نمو می‌نمایند. از این‌رو زیرساختی که به این سیستم نزدیک و کمک رساننده می‌باشد قهراً در اولویت قرار دارد. تعبیر در ساخت قدرت از کلان استواری و استمرار آهنگ نامبرده می‌باشد. و بدون شک تلویزیون در دنیا معاصر از زیرساخت‌های بنیادین قدرت بحساب می‌آید. به گفته‌ی پروفیسور حمید مولانا: «اینترنت و تکنولوژی‌های امثال آن زیرساخت‌های قدرت هستند نه آزادی».

این نوشتارها:

- ۱- نامه فرهنگ، سال اول، ش ۲، ص ۹۳، ۱۳۷۹. مقاله‌ی: انقلاب اطلاعات و تحول مفهوم دولت.
- ۲- الانبیاء، ۲ و ۳ و المائدة: ۵۷.
- ۳- حجرات، ۱۱.
- ۴- الانعام، ۱۰۸.
- ۵- نیل پستمن، زندگی در عیش مرغن در خوشی. دکتر صادق طاهری، صص ۳۳-۳۴.
- ۶- تهج البلاغه، نامه ۵۳ بند ۲۸.
- ۷- نیل پستمن، زندگی در عیش مرغن در خوشی، صص ۳۴۰.
- ۸- نوام جامسکی و هرمن-فیلترهای خیری-؟ امیرفخرانی صص ۱۸ و ۶۸.
- ۹- بیروکفان می. «تلویزیون و دکترین جامی آن در غرب»، محمد حفاظی، صص ۱۴۵.
- ۱۰- نیل پستمن، زندگی در عیش مرغن در خوشی، صص ۲۰۷.
- ۱۱- سرروش ۸۶۷، آذر ۱۳۷۶، مقاله‌ی رسانه‌ها و نارسایی‌ها صص ۴۲.